

یادداشت کارگری هفته

در پاسخ حسن روحانی باید گفت : سازمان تامین اجتماعی و شستا ،

مایملک اجدادی شما نبوده و نیست که دستور می دهید : **" اینها را جمع کنید!"**

امیر جواهری لنگرودی

info@karegari.com



مدخل بحث:

در روزشمار کارگری هفته ، خبرهای چندی در باره اظهارات حسن روحانی در باره سازمان تامین اجتماعی و شستا و واگذاری آن آمده و همین ها مضمون یادداشت هفته کارگری را فراهم آورده است .

حسن روحانی روز ششم اسفند ۹۷، در حضور محمد شریعتمداری وزیر و مدیران وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ضمن گفتار کشدار و منبری در رابطه با صندوق های بازنشستگی یاد آور شدند : « ... به هیچ عنوان نباید صندوق بازنشستگی بنگاهدار باشد»، اظهار داشت: « البته اشکالی ندارد سهامدار باشید ولی کار شما مدیریت نیست. قولی که من به مجلس و مردم و ... دادم این است که سال آینده، سال واگذاری شرکت های بزرگ از جمله شرکت های شستا است. اشکال ندارد سهامدار باشید ولی مدیریتش نکنید. البته می دانم بسیاری مقاومت می کنند و کارشکنی می کنند . » و افزودند : « دولت حدودا به دو میلیون و پانصد هزار نفر از کارمندهایش حقوق می دهد و چیزی حدود همین تعداد، به افراد بازنشسته از طریق صندوق بازنشستگی حقوق می دهد. کل نیروهای مسلح هم شاغلان و هم بازنشسته را نیز ما حقوق می دهیم چراکه وضع شان خیلی بد است. اولین کار این است که بتوانیم این سازمان بازنشستگی را درست کنیم تا بتواند روی پای خودش بایستد». ایشان گفتند : « تامین اجتماعی برای کارگران و مردم است و دولت حق دخالت ندارد در حالی که ما شما را منصوب کردیم. اینها را جمع کنید. اشکال ندارد سهامدار شرکت های سود ده باشد ولی چیزهایی که ضرر دارد، آنها را واگذار کنید.»، روحانی ادامه می دهد : « این کار هم تاکید من و هم تاکید صد در صد رهبری است. من وقتی برای معرفی وزرا نزد رهبری رفتم، ایشان به من تاکید کردند که دولت دست از اقتصاد بردارد. البته به غیر از دولت هم داریم. ما خصوصی، تعاونی و دولتی داریم و منهای دولت، خصوصی است. از طرفی، نه دولتی است که از سوی دولت، مدیریت و نظارت شود و نه تعاونی که شریک داشته باشد و نه خصوصی است. هیچ کسی هم جرات نمی کند که بر خصوصی ها نظارت کند و خصوصی یعنی آزاد. نه مردم و نه دولت هیچ اطلاعی از آنها ندارد. بدترین اقتصاد، اقتصاد خصوصی است روحانی بر آنستکه ؛ مردم را باید در اقتصاد مشارکت داد و چه جایی بهتر از شستا.»

(منابع رسمی خبرگزاری های دولتی ایران ششم اسفند ۹۷)

پرسش اساسی این است : شما و رهبر چه کاری اید که برسر دارایی عمومی ، قدیمی ترین و توده ای ترین موسسه عمومی غیر دولتی و سازمان بین النسلی که صاحبان اصلی اش نیروی توده ای و میلیونی کارگران و بازنشستگان و بیکاران امروز و شاغلان دیروزکشورند، چانه میزنید و می خواهید آنها را به صمن بخش به بخش خودمانی تان بسپارید؟ این مردم مورد نظرتان چه کسانی اند ؟ شما از کدام مردم سخن می گوئید ؟ اینان غیر از آن جنس آدمی خوارانی اند که ثروت های عظیم هفت تپه ، هپکو- ماشین سازی تبریز- صنعت دشت مغان و دهها معدن و صنعت را به گل نشانده اند ؟

مردم مورد نظرتان دقیقاً کیانند و کجا ها هستند؟ آنانی که از فرط نداری در محیط کارخانه خود را حلق آویز می کنند چرا که خجل در برابر سفره خالی خود و زن و بچه هایشان هستند و در برابر بدهکاری به کاسب محل ، آن حد در خیابان ها و کوچه و پس کوچه های می گردند تا کاسب درب مغازه را ببندد و اینان چشم شان بهم نسايد تا شرمنده جیب خالی اش نباشند . اینانی که برای نان شب شان مانده اند ، مردم نیستند ؟

حالا که نظام اسلامی این سازمان و صندوق اش را به ورشکستگی کشانده، شما می خواهید شستا را به بخش خصوصی بفروشید. بی دلیل نیست که بازنشستگان ، معلمان ، کارگران ، دانشجویان و همه شاغلین در کنار لشکر بیکاران امروز که کارگران دیروز و اخراجی و ازکارماندگان جامعه، که مخالف خصوصی سازی ها و خواستار لغو آنند، همه و همه، طی مبارزات جاری و کف خیابان خویش، همواره مبارزه علیه فساد و اختلاس را در راس مطالبات خود قرار داده و خواهند داد.

کارگران یک صدا می گویند : حسن روحانی، اموال شیستا و حتی شرکت های زیان ده آن متعلق به جنابعالی و دولتتان نیست که دستور قلع و قمع آن را صادر می کنید. اگر کننده اید، مچ دزدان را بگیرید و رانت های آنجا را از بین ببرید!

در معرفی شستا:

شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی که به اختصار "شستا" نامیده می شود. این شرکت متعلق به سازمان تامین اجتماعی است. نقش آن بعنوان پشتوانه ی سازمان تامین اجتماعی تعریف شده و جزو بزرگترین حوزه کاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به حساب می آید. سازمان تامین اجتماعی با داشتن دو بازوی اصلی ارائه خدمات بیمه درمانی و خدمات بیمه بازنشستگی ایجاد شد و بر اساس آخرین آمار حدود ۴۲ میلیون نفر یعنی بیش از نصف جمعیت کشور و حدود ۷۶ درصد از کل بیمه شدگان را تحت پوشش دارد و به حدود ۶ میلیون نفر، حقوق بازنشستگی و بیمه بیکاری پرداخت می کند.

این شرکت به تاریخ اول شهریور ۶۵ ، به منظور حفظ و ارتقاء ارزش ذخایر سازمان تامین اجتماعی با سرمایه ی اولیه ۲۰ میلیارد ریال تاسیس شد و در سالهای بعد در طی چند مرحله مبادرت به افزایش سرمایه گردید. متأسفانه بدلیل بسته بودن منابع آماري و نابهنجاری دسترسي به آمار روشنگر و دست اول نمی توان به چند و چون و زیر وبم امور رقمی تشکیلات "شستا" دست یافت و آنچه در این یادداشت بدان اشاره می رود مربوط به سال های گذشته است .

در حوزه اجرایی هدف اصلی از تشکیل شستا : مدیریت کارآمد منابع مالی تخصیص یافته با رویکرد سودآوری و ارزش افزوده حداکثری در بازارهای سرمایه داخلی و خارجی از طریق فعالیت های تولیدی، خدماتی و بازرگانی می باشد. امروز بیش از تقریباً ۳ دهه فعالیت مستمر ، شستا به یکی از شرکت های بزرگ اقتصادی در سطح خاورمیانه تبدیل شده است . بعبارتی شستا، سرمایه گذاری منابع حاصل از حق بیمه های بوده که کارگران و بیمه شدگان طی بیش از سی سال و هر ماهه پرداخت می نمودند. وظیفه ی شستا تامین امکانات مورد نیاز برای ارتقاء مسئولیتها، تعهدات بیمه ای و حقوق بازنشستگان است و در حوزه عملیاتی ، می توان به صراحت اعلان داشت : شرکت های تحت پوشش شستا، از چندین هلدینگ تخصصی شامل: صنایع دارویی، سیمان، صبا تامین، صدر تامین، صنایع پتروشیمیایی و شیمیایی، صنایع عمومی، ساختمان و عمران، نفت و گاز، صنایع نوین و حمل و نقل اداره می شوند. شستا در حوزه های یادشده، نقش بزرگی در اقتصاد کشور بازی می کند. مثلاً با توجه به در اختیار داشتن سهام بسیاری از شرکت های سیمانی، شستا بزرگ ترین بازیگر صنعت سیمان کشور محسوب می شود. همچنین شرکت های تحت پوشش شستا ۷۵ درصد صنایع تولید و توزیع دارو و همچنین درصدهای بسیاری از شرکت های فعال در صنایع نفت ، کاشی، لاستیک، کاغذ و... را در کشور دارا است. شستا سهامدار اصلی بانک رفاه و کشتیرانی جمهوری اسلامی هم هست. شستا سهام بسیاری از شرکت های بورسی را نیز در اختیار دارد و تا همین چند سال پیش، به طور متوسط نزدیک به ۲۰ درصد حجم معاملات و بیش از ۱۰ درصد ارزش روز بازار بورس، به مجموعه شرکت های تحت پوشش شستا تعلق داشت، سهمی که طی چند سال اخیر به علت سوء مدیریت در این شرکت رو به کاهش و ویرانی گذاشته است. تا به امروز در سطح رسانه های دولتی آمده است : روزگاری شستا ۴۰۰ شرکت وابسته داشته که بر اثر چپاول و غارت اموال بیمه شدگان به ۲۰۰ شرکت بزرگ و کوچک، چه سهام کنترلی (بیش از نصف مجموع سهام و قدرت

تعیین مدیریت) و چه سهام غیرکنترلی (کمتر از نصف مجموع سهام) ، تنزل یافته است. این تعداد شرکتهای وابسته نشان از فعالیتهای عظیم در اقتصاد کشور و سود آوری نجومی دارد که علاقه ی افراد سود جو و نمایندگان مجلس و سایر فعالان سیاسی را بخود جلب نموده است. بطوری که شستا با بیش از ده هزار میلیارد تومان دارایی، سود سالانه نزدیک به ۳ هزار میلیارد تومان و سهامداری در بیش از ۱۷۰ شرکت بزرگ با تغییرات سیاسی مجدد، این روزها بار دیگر به نُقل محافل سیاسی تبدیل شده است. در حال حاضر این شرکت وابسته به تامین اجتماعی به عنوان پشوانه اقتصادی این سازمان درآمده است. می توان نوشت: « شستا دارای ۳۰ شرکت زیرمجموعه و ۸ شرکت هلدینگ می باشد، که فعالیت های گسترده ای را در صنایع مختلف در ایران انجام می دهند. این فعالیت ها شامل ۴۰ درصد کار توزیع دارو، سرمایه گذاری ۴۰ درصدی در بازار سیمان، در اختیار گرفتن ۳۰ درصد از بازار قیر، ۱۷ درصد بازار تابر، ۷۰ درصد ترابری ریلی و برخی فعالیت های اقتصادی دیگر است بعضی از مؤسسه های وابسته که تمام یا عمده سهام آن ها متعلق به شستا است، عبارتند از: شرکت تاپیکو، بانک رفاه کارگران، کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، شرکت فولاد مبارکه اصفهان، شرکت ملی صنایع مس ایران، دانشگاه علوم قضایی، نفت ایرانول، پتروشیمی جم، شرکت سرمایه گذاری خانه سازی ایران، خدمات بهداشتی درمانی میلاد سلامت تهران، گروه پزشکی حکمت و مؤسسه های دیگر .

هلدینگهای زیر مجموعه عبارتند از:

۱- هلدینگ دارویی تأمین

۲- هلدینگ عمران، حمل و نقل

۳- هلدینگ سیمان تأمین

۴- هلدینگ صنایع عمومی تأمین

۵- هلدینگ نفت، گاز، پتروشیمی

۶- هلدینگ صبا تأمین

۷- هلدینگ صدر تأمین

۸- هلدینگ صنایع نوین تأمین « (۱)

همین حد بیان واقعیت، موجب ابراز علاقه همیشگی دولت ها به شرکت شستا شده است. نمایندگان مجلس و سایر فعالان سیاسی نیز از این ابراز علاقه، محروم نیستند و در دوره های مختلف دیده شده که برخی افراد فرصت طلب برای حضور خود یا نزدیکانشان در هیئت مدیره شرکت های زیرمجموعه شستا، واردات معاملات و لابی های نادرست با مدیریت تامین اجتماعی می شوند. سازمان تامین اجتماعی در چند دوره، دولت های به اصطلاح "سازندگی" ، "اصلاحات" و "امام زمانی و پادگانی" ، بیشترین گزینه جابجایی ها در سطح مدیریت همین سازمان را با خود داشته است. تعدد جابجایی ها نشان از امتیاز طلبی عالی ترین سطح قدرت مداری نظام برای بهره برداری از ثروتمندترین تشکیلات سراسری کارگران کشور بوده است.

طی دهمین ماه سال (دی) ۹۰ تا کنون افراد زیر بعنوان سرپرست مدیریت سازمان تامین اجتماعی بر سر کار بوده اند :

*- سید مجید موسویان، از دی ۱۳۹۰ تا اسفند ۱۳۹۰ (سرپرست)

*- سعید مرتضوی، از اسفند ۱۳۹۰ تا مرداد ۱۳۹۲ (همه کاره سازمان)

*- صمدالله فیروزی، از ۲۷ مرداد ۱۳۹۲ تا شهریور ۱۳۹۲ (سرپرست)

*- سید محمدتقی نوربخش، از شهریور ۱۳۹۲ تا فوت در ۲۴ آبان ۱۳۹۷

*- انوشیروان محسنی بندپی، از ۲۷ آبان ۱۳۹۷ تا ۲۵ آذر ۱۳۹۷ (سرپرست)

*- محمدحسن زدا، از ۳ دی ۱۳۹۷ تاکنون (سرپرست)

اما می بینیم که امروزه در مقایسه با آن گذشته، استقلال اداری تامین اجتماعی از آن گرفته شد، برای همین می بینیم در دوره‌ای که حسن روحانی روی کار بود (یعنی کمتر از ۶ سال) ۹ مدیرعامل شستا به واسطه مناسبات خاص تغییر کرد.

هدف از تشکیل شستا برپایه کارکر اولیه آن؛ سرمایه‌گذاری منابع حاصل از حق بیمه‌هایی بوده که کارگران و بیمه شدگان به مدت چند دهه و به طور ماهانه پرداخت می‌کنند. مسئولان شستا در دو دهه اخیر در راستای همین هدف یعنی افزایش سودآوری از محل حق بیمه‌ها اقدام به خرید شمار زیادی شرکت‌ها و کارخانجات کرده‌اند. اما از آنجا که شستا عملاً زیرمجموعه و تحت اختیار دولت محسوب می‌شود، تصاحب شمار زیاد شرکت‌ها علاوه بر آن که به دولت‌ها قدرت مانور بالایی در استفاده از منابع این شرکت‌ها داده، در دسرهایی را هم ایجاد کرده است. از سال ۱۳۷۰ تاکنون با الحاق شرکت‌های جدید به زیرمجموعه شستا از طریق رفع دیون به سازمان تامین اجتماعی، درآمد و سوددهی شستا، افزایش چشمگیری پیدا کرد. مجموع دارایی‌های جاری شستا طبق ترازنامه این شرکت در سال منتهی به خردادماه ۱۳۹۰ سال گذشته ۲۰۱۴ میلیارد تومان و دارایی‌های غیرجاری آن ۷۷۲۷ میلیارد تومان بوده است. سال گذشته نوروز زاده در پاسخ به پرسش خبرگزاری ایرنا مبنی بر اینکه از نگاه بیرونی، شستا مجموعه است با مشکلات متعدد و حتی دچار زیان، اکنون شستا در چه وضعیتی قرار داد؟ اعلام داشت: «در مجموع میزان سود این شرکت‌ها تا پایان سال ۱۳۹۳ از ۱۵۰۰ میلیارد تومان به پنج هزار میلیارد تومان رسید اما در سال ۱۳۹۴ سود این شرکت‌ها با کاهش ۵۶ درصدی به ۲۲۰۰ میلیارد تومان رسد» (۲) هر چند این همه آمار و ارقام نیست!

رحمت الله حافظی عضو هیات مدیره نظام پزشکی تهران می‌گوید: «سازمان تامین اجتماعی، سازمان خیریه نیست، اما در دو دهه گذشته دولت‌ها به انحاء مختلف بار مالی خود را به این سازمان منتقل کرده و هیچ وقت نیز بار مالی ناشی از محول کردن این مأموریت‌ها به سازمان را پرداخت نکرده است. حاصل این رفتار ۱۸۰ هزار میلیارد تومان بدهی انباشته دولت‌ها به سازمان تامین اجتماعی است، البته سازمان نیز به بخش سلامت کشور اعم از بخش دولتی و خصوصی حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان بدهکار است که اگر بدهی انباشته شده دولت به سازمان پرداخت شود، سازمان تامین اجتماعی براحتی می‌تواند به وظایف خود و تادیه بدهی‌هایش عمل کند.» (۲) بعبارتی یادمان نمی‌رود در دولت گذشته بزرگترین بدهکار به سازمان تامین اجتماعی دولت احمدی نژاد بوده است. او که مدعی بود ما دهشاهی هم بدهکار نیستیم الان اعلام شده که دولت حسن روحانی مبلغ ۱۸۷ هزار میلیارد تومان به سازمان تامین اجتماعی بدهکار است. کارفرمایان و مدیران صنایع ۱۷ هزار و ۳۳۰ میلیارد تومان به سازمان تامین اجتماعی بدهکار هستند. آنوقت هزینه بدهکاری دولت و کارفرمایان را می‌خواهند با افزایش سن بازنشستگی و سابقه بیمه پردازی و با اصلاحات پارامتریک از جیب کارگران بپردازند.

جمع بندی :

باید به حسن روحانی گفت: درجابجایی سازمان تامین اجتماعی که یک موسسه عمومی غیر دولتی و سازمان بین‌النسلی است که دولت صاحبش شده و در امر واگذاری آن به بخش خصوصی با فرمان "اینها را جمع کنید!" هیچ چیزی به خودی خود بر سرچایش قرار نمی‌گیرد. همین هفته پیش بود که خبر گزارى ها اعلام داشتند: یک قلم صادرات عسکر اولادی ۱۶ میلیون یورو و حقوق یک ماه معاونان شهردار تهران ده تا دوازده میلیون تومان است، در حالی که بسیاری از کارگران به دلیل اوضاع سخت معیشتی شان خواهان آن شده بودند که یک ماه عیدی و پاداششان را زودتر دریافت کنند در صورتی که همه ساله در اسفند ماه عیدی کارگران پرداخت می‌شد ولی تا اینجای کار صدای هیچ کارگذار حکومتی در امر پاسخگویی به این خواست توده کارگران بلند نشده است. حسن روحانی خوب می‌داند که از کارنامه اتاق بازرگانی یحیی‌آل اسحاق، خاموشی‌ها، اسدالله بادامچیان‌ها و حزب مؤتلفه اسلامی، همچون خود عسکر اولادی‌ها در این جابجایی هیچ معجزه‌ای درکار نخواهد بود.

برای من و ما روشن است که فساد درحاکمیت اسلامی نهادینه شده است و این بیش از هرچیز به مدیریت دولت‌ها برمی‌گردد. اگر در دوره رفسنجانی "سازندگی" و بعد تر دوره خامنی "اصلاحات" و هشت سال بعد دولت "مهرورز" و "امام زمانی" و هشت سال بعد ترش حسن روحانی "تدبیر و امید" همواره با فساد مدارا نمی‌شد و درست از فردای قیام بهمین، جلوی باند بازی‌ها، رشد فساد و اختلاس‌ها درجمع جهات جلوی گردن کشی آیت الله‌های شکرخوار، چایی خوار، ماهی خوار، زمین خوار و همه چیز خوار و آقازاده‌ها و ژن‌های برتر آنان و کلاشی این‌وآن را می‌گرفتند و هریک از آنان درحاشیه امن پدرانشان جای نمی‌گرفتند، ما با چنین رشد فساد روبرو نبودیم.

همین از ما بهتران اند که با نگاه امنیتی و خودی و غیرخودی کردن و با اوتاری دانه‌های تسبیح، توفیض مسئولیت و مقام می‌کنند و همین است که جانی نشان دار یعنی دادستان و قاضی القضاات پیشین زندان اوین، که با ارتکاب صد ها جنایت فراموش نشدنی از خود، خونبار ترین ملودرام خون و جنون را برای بقاء و تثبیت همین نظام خلق کرد. چنین عنصر خود فروخته‌ای را به عنوان گزینه مورد وثوق از جانب عالی‌ترین مقام اجرایی کشور، که او نیز با نشان و هدایتگری ولی فقیه نشان دار شده، به سرپرستی وقت سازمان تامین اجتماعی علیرغم مخالفت بخشی از قوه مقننه برسپرست بزرگترین سازمان توده‌ای می‌نشانند. سعید مرتضوی نیز به محض دست پیدا کردن در جایگاه مدیرعاملیت سازمان، با

دست و دل بازی و با توزیع کارت هدیه میلیونی یا کوبین و وجه نقد به مدیران و معاونان دولت و بخشا نمایندگان مجلس، آنگونه که کارگران در اطلاعیه ای آورده اند: «... در مرداد ماه سال ۹۲ مدیرعامل وقت برای ۵۰ نفر از مدیران و معاونان این سازمان حدود ۶ میلیارد و ۲۴۳ میلیون پاداش در نظر گرفته که تنها پاداش یکی از مدیران ۴۰۰ میلیون تومان بوده است»، افزوده‌اند: «در حالی که سازمان تامین اجتماعی یک موسسه عمومی غیر دولتی است، مدیریت دولتی وقت مالکیت ۱۷۸ شرکت از مجموعه سازمان سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی (شستا) را که ارزش واقعی آن بالغ بر ۵۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود را به مبلغ ۱۷ هزار میلیارد تومان به بابک زنجانی فروخته است». این کارگران در ادامه یاد آور شده‌اند: «و اگذاری انجام شده در حالی است که در سال ۱۳۲۵ دولت وقت بنا بر درخواست سراسری کارگران ایران نخستین بار با تشکیل سازمان تامین اجتماعی موافقت کرد و از آن زمان تا کنون ۶۶ سال است که منابع اصلی این سازمان بصورت بین‌النسلی از محل حق بیمه ماهیانه خانواده ۳۷ میلیون نفری کارگران و بیمه شدگان، تامین می‌شود...» (۳) این گونه تالان کشی، نتیجه خاصه خرجی آقایانی است که طی دوره های مختلف و تا دیروز براس امور بودند و امروزش نیز در بر همان پاشنه می چرخد.

نکته گفتنی اینستکه؛ چنانچه بخواهیم به اختلاس های صورت گرفته و تاحال علنی و فهرست شده بپردازیم. در می یابیم که جریان فساد همواره در شبکه قدرت سیاسی دهن بازی می کند. اینگونه افراد برای هر دولتی جذابیت خاص خود را دارند. برای دوره سازندگی صد البته "تکنوکرات" معرفی می گردند. برای دوره اصلاحات، "دمکرات" جلوه می نمایند. برای دولت مهرورز، "ناسیونالیسم ایرانی" و شبه حجتیه ای" و روزهای بعد از خرداد ۹۲ به اینطرف هم "میانه رو" و "کلید دار" هر معمای گشته اند.

خوب است دولت روحانی عوض و اگذاری به ثمن بخش گذاشتن سازمان تامین اجتماعی به ناکار آمد ترین بخش جامعه به نام خصوصی سازی و خصولتی پروری، یکم جلوی اختلاس های میلیاردی عوامل ریزودرشت دستگاه خود را سد نمایند تا دستان آفتاب دزد ها در این میان قطع نگردد. دوم بروند به جانب وصول مالیات از گردن کلفت های آپارات آقا، نظیر بنیاد مستضعفان - آستان قدس رضوی- بنیاد شهید- دهها و صدها موسسه و بنیاد خود ساخته اقدام ورزند به راحتی می تواند بدهی خود به سازمان تامین اجتماعی را صاف کنند و این سازمان عظیم را از ورشکستگی نجات دهند.

امروز عموم مردم جامعه ما نیک دریافته اند: قوه قضائیه، مقننه و مجریه سه لنگه یک کرباسند و هر یک به سهم خویش، در برگیرنده بی قانونیتی کل سیستم اند و هیچ چیزی سر جای خود نیست. درهم ریختگی سیستم دیوانی نظام عصاره خون مردمی است که انقلاب به نام آنان ثبت شد و لی در طی این چهار دهه هیچ سهمی از آن بر سفره هایشان جاری نشده است.

صندوق سازمان تامین اجتماعی، اداره آن، حسابرسی، کنترل و گزارشگری همه جانبه از دارایی های آن باید به صاحبان اصلی اش یعنی طبقه کارگر ایران که خود بنیانگذار و موسس این سازمان است، بازگردد. باید همه نگاه های چپاولگر در اداره راهبردی این سازمان که در اساس تامین معیشت کارگران را به وقت نیاز پاسخگوست، گور و ریشه دخالتهای شان خشکانده شود. باید همه دارایی های به یغما برده شده این سازمان به صندوق اش بازگردد. خاتمه دادن به این همه فساد مالی در چنین تشکیلات توده ای در گرو به میدان آمدن و متشکل شدن طبقه ای است که از استثمار آنها، سرمایه های نجومی آفریده می شود. تنها همین طبقه قادر است که عمل کننده، قطع شریان های این مال اندوزی چپاولگران باشد.

یادتون نرود؛ سیل که جاری گردد، همه تان را خواهد برد!

طبقه ما اگر امروز قدرت بسیج و سازمان یافته ای داشت، اگر تشکل های کارگری مستقل و سراسری خودمان را داشتیم، کار به اینجا نمی کشید که هر ننه من قمری عربده بکشد. اگر رسانه های قدرتمند خودمان را داشتیم، در این صورت گروه بندی های حکومتی هم به خودشان اجازه نمی دادند این گونه بی شرمانه برای بالا کشیدن دسترنج طبقه ما کیسه بدوزند. کشمکش گروه بندی های حکومتی برای تصرف دارایی های سازمان تامین اجتماعی هیچ ربطی به منافع واقعی کارگران ندارند. یک صدا بار دیگر می گوئیم: دست ها از دخالتگری در اداره سازمان تامین اجتماعی کارگران کوتاه و اداره و هدایتگری اش باید به خود صاحبان اصلی اش سپرده شود!

غارت دیگر باره سازمان تامین اجتماعی و سهم بڑی از کارگران موقوف! اعتراض به این حد از اجحاف و حق خوری، حق کارگران است. باید متحد و متشکل شد و اعتراض عمومی را سازمان داد سال ۹۸ سال پرچالشی برای طبقه ما است. برای ارتش گرسنگان راهی جز اعتراض نموده است. هر انسان صاحب حقی باید این اعتراض را برسمیت بشناسد و خود را پژواک صدای آنان بنامد. چنین باد!

منابع:

(۱) (معصومه عیدانی، سایت ارشن رسانه اجتماعی - تحلیلی بازار، ۱۳۹۵/۱/۲۸)

<https://www.nahayatnegar.com/blog/39944>

(۲) - (خبرگزاری ایرنا، در گفتگو با مدیر عامل شستا، نوز نوز نوزی، سیزدهم شهریور ۱۳۹۶)

<http://www.irna.ir/fa/News/82654443>

(۳) - (خبرگزاری کار ایران-ایلنا، رحمت الله حافظی عضو هیات مدیره نظام پزشکی تهران، ۱۱ یازدهم ۱۳۹۷)

(۴) - (نامه هزارکارگرپارس جنوبی ، خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا، یکشنبه ۲۹ دی ۱۳۹۲)

شنبه ۱۱ اسفند ۱۳۹۷ برابر با ۰۲ مارس ۲۰۱۹